



روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی ایران

شامل کلیه قوانین مصوبه و مقررات - گزارش کمیسیونها - صورت مشروح مذاكرات مجلس - اخبار مجلس - انتصابات - آگهی های رسمی و قانونی

شماره مسلسل ۱۴۰

دوره نوزدهم قانونگذاری

مذاكرات مجلس شورای ملی

جلسه ۱۴۰

صورت مشروح مذاكرات مجلس روز سه شنبه

۱۹ آذر ماه ۱۳۴۶

فهرست مطالب:

- ۱) تصویب صورت مجلس
- ۲) بیانات آقای نایب رئیس بمناسبت روز ۲۱ آذر
- ۳) بیانات قبل از دستور - آقایان: حشمتی - نورالدین امامی (اجرای يك دقیقه سكوت)
- محمدعلی مسعودی - پرفسور اعلم - دیهیم - دشتی - بزرگ ابراهیمی - علامه وحیدی - دولت آبادی و تیمورتاش بمناسبت روز ۲۱ آذر
- ۴) تقدیم يك فقره سؤال بوسیله آقای ابتهجاج
- ۵) طرح و تصویب يك فوریت و اصل گزارش کمیسیون فرهنگ راجع موافقت نامه فرهنگی بین ایران و لبنان
- ۶) تعیین موقع جلسه بعد - ختم جلسه

مجلس دو ساعت پیش از ظهر بریاست آقای همدان تریبی

(نایب رئیس) تشکیل گردید

۱- تصویب صورت مجلس

نایب رئیس - صورت اسامی غائبین جلسه قبل قرائت میشود

(بشرح زیر قرائت شد)

- غائبین با اجازه - آقایان : یارافشار . دکتر اصلان افشار . سنندجی . سعیدی . مجید ابراهیمی . مرتضی حکمت . صفاری اکبر . محمودی . فضائلی . مهندس فیروز . دکتر اسدی . کاظم شیبانی . مهندس شیبانی - صراف زاده . مهندس بهبودی . فرود . کدیور . خرازی . پردلی . دولتشاهی . اورنگ . صدرزاده .

تیمورتاش . توماج . رامبد . اعظم زنگنه غائبین بی اجازه - آقایان : دکتر طاهری . دکتر جهانشاهی . اریه . مشار . اخوان . قبادیان . شادمان . دیر آمدگان و زود رفتگان با اجازه - آقایان : بزرگ نیا . مهندس فروغی . پرفسور اعلم دکتر سعید حکمت . اسفندیاری . دولت آبادی . دکتر شاهکار سراج حجازی

نایب رئیس - اعتراضی بصورت مجلس نیست (اظهاری نشد) چون اعتراضی بصورت مجلس نشد بصورت جلسه تصویب میگردد .

۲- بیانات آقای نایب رئیس

بمناسبت روز ۲۱ آذر

نایب رئیس - بطوریکه آقایان محترم استحضار دارند روز ۲۱ آذر ماه در پیش است و چون در آن روز مجلس تعطیل خواهد بود جمعی از آقایان محترم در - خواست نمودند بجای سؤالات امروز نطق قبل از دستور باشد مجلس شورای ملی همیشه مظهر احساسات وطن پرستانه بوده است (صحیح است) و حق همین است است که بمناسبت چنین روز تاریخی و فرخنده ای در تمام کشور و بویژه در مجلس شورای ملی احساسات پاك میهنی ابراز شود (صحیح است) .

روز ۱۱ آذر بزرگترین روز آمیخته بافتخاری است که برای همیشه در تاریخ ایران زنده و جاوید خواهد بود (صحیح است) در این روز بعموم جهانیان ثابت شد که ملت ایران که صد ها سال قبل از میلاد مسیح تاریخ زنده و گویا و مضبوط دارد هرگز افتخارات و استقلال و آزادی خود را از دست نخواهد داد و با هر گونه مشکلاتی مبارزه خواهد کرد (صحیح است - صحیح است)

روز ۲۱ آذر روزی است که در سایه رهبری شاهنشاه عظیم الشان ملت شریف ایران عموم مردم پیروز آذربایجان خود را با هم آهنگی با ارتش نیرومند شاهنشاهی برای حفظ شرف و استقلال و آزادی با اخلاص گران و تجزیه طلبان مبارزه شرافت مندانه نمودند (صحیح است) و برای جان خود در این مبارزه مقدس ارزشی قائل نبودند (صحیح است) و عظمت ملت ایران برای بار دیگر در تاریخ دنیا با خطوط روشن ثبت شد (صحیح است)

قر بانیمان روز نجات آذربایجان و شهدای این روز که در راه دفاع از ناموس و شرف و ایمان و مذهب و میهن و شاه شربت شهادت را با کمال کوارانی نوشیدند برابر

عقاید ملی و مذهبی ما باروح شاد و سر افزای برای همیشه زنده و جاوید خواهند بود (صحیح است) این روز فرخنده و مبارک را با کمال افتخار و مباهات مجلس شورای ملی بحضور رهبر عالیقدر شاهنشاه عظیم الشان و ملت عزیز ایران تبریک میگویم .

(نورالدین امامی - بنام ملت آذربایجان از اظهار لطفتان تشکر میکنم)

۳- بیانات قبل از دستور

آقایان: حشمتی - نورالدین امامی

(اجرای يك دقیقه سكوت) مسعودی -

پرفسور اعلم - دیهیم - دشتی -

بزرگ ابراهیمی - علامه وحیدی -

دولت آبادی و تیمورتاش

بمناسبت روز ۲۱ آذر

نایب رئیس - اینك بهمین مناسبت

نطق های قبل از دستور شروع میشود

آقای حشمتی

حشمتی - ۲۱ آذر ۱۳۲۵ برای

میهن پرستان ایران و آزادی خواهان جهان

از پرافتخار ترین روزهای تاریخی محسوب

شده و هر قدر بگذرد و برده اسرار دریده

شود عظمت آن واضعتر خواهد شد

بانهایت تأسف باید گفت که تا کنون

آنطوری که شاید و باید بسیاری از مردم

دنیا وعده از هم میهنان عزیز به اهمیت این

روز تاریخی و تأثیری که در تثبیت موقعیت

جهان آزاد داشته است پی نبرده اند .

(صحیح است)

از همکاران محترم اجازه می خواهم

که برای نشان دادن اهمیت این واقعه و

اثبات ادعای خود چندی بمقرب برگشته ایام

تیره و محیط حزن انگیز و خفقان آور آن

زمان را یادآوری نمایم (احسن است)

من از روزهای شوم شهریور ۲۰ و حمله ناجوامر داده پر قدرت ترین ارتش- های جهان بلشور ایران که روزی پرچم- دار تمدن بشر بوده و از این لحاظ حق بزرگی بکردن عالم انسابت دارد حرفی نمی‌زنم و حتی میل ندارم از تأثیر مهمی که در پیروی نهائی کشور های دموکرات داشته ایم سخنی بمان بیارم و برخ متعین عزیز بگم که اگر در غانگه شهریور راه های ارتباطی و منابع نفتی خود را که عامل اساسی فتح آنها بوده دست نخورده جویل نداده بودیم مسلماً سرنوشت جنگ صورت دیگری پیدا میکرد (صحیح است)

خیر من دوست ندارم وارد این بحث بشوم و هنوز هم که هنوز است نغمه‌هایم که در صورتی که ما حاضر بودیم همه‌طور با آنها کنار بیایم منظورشان از احتمال کشور ما ایجاد هرج و مرج چه بود و چرا اشتباه معامله ۱۹۰۲ باین صورت زنده تکرار گردید

هر چه بود گذشت و ارایه که نخواستند و با نتوانستند ضررهائی هنگفتی که از این راه بها وارد آمده بود جبران کنند کلاً نداشته و تنها منظوری که از اشاره باین خاطرات غم انگیز دارم اینست که تکلیف برای آینده روشن تر شد و ضمناً بانجم آن روزگار اهمیت ۲۱ آذر بهتر معلوم شود و درک حقایق آسانتر گردد

آقایان محترم بخواظر دارند که هنگامی که متفقین پیروز شده و بقول معروف پر مر لیب مرادسوز شدند ارتش های اسکلیس و امریکا طبق وعده که در قرارداد سه جانبه تهران داده بودند در آس موعد مقر ر خاک کشور ما را ترک نمودند

تنها ارتش سربخ بود که برای حد اکثر استفاده از موقعیت تخلیه مناطق شمالی کشور را بتأخیر انداخته و تا جائی که توانستند بقویت وطن فروشان و تربیت- شدگان مکتب خدا باشناسی پرداخته و تا وقتیکه از هر جهت بقدرت آنها اطمنان پیدا نکردند سربازان خود را عقب نکشیدند

راستی وضع عجیبی بود و با جدا شدن آذربایجان از پسر مادر وطن دنیا در مقابل یک عمل انجام شده قرار گرفته و با ایجاد حکومت پوشالی فرقه دمکرات که با فشار سربزیه بیکانه بوجود آمد قسمتی از وصایای قطر کبیر به مرحله اجرا درآمد

درست بیاد دارم که در عده ای از جریان آذربایجان که مسئله آذربایجان را خاتمه یافته فرض میکردند جسته و گریخته از حرم امنیت شوروی صحبت بمیان آورده و حتی اگر فراموش نکرده باشم بوبن وزیر خارجه انگلستان نیز در یکی از مصاحبه های مطبوعاتی خود باین موضوع اشاره نموده و تلویحاً تصدیق کرده بود

باید با نهایت انصاف بهمه آنها بنگه در مقابل حقیقت جز تسلیم چاره ای نداشتند حق داد زیرا آنها که برای العین دیده بودند که کشورهای اروپای شرقی با داشتن قدرت کافی بدون هیچ مقاومتی به پشت پرده آهنگ کشیده شده و در عده بسیاری از کشورهای دیگر احزاب کمونیست قدرت غیر قابل انکاری را بدست آورده بودند نمی توانستند باور کنند که ایران با وضعیت مخصوص بخود و صدماتی که در هنگام جنگ بر بیکر ناتوانش وارد آمده بود بتواند با سهولت دست اجنبی پرستان را از ساحت مقدس میهن کوتاه نماید و چنین عملی را از جمله محاللات می- دانستند

در آن روزهای سخت میهن پرستان ایران در منتهای آس و ناامیدی با پیروی از سنن باستانی و توسل بقدرت ملی خود را برای هر گونه جانبازی و فداکاری مهیا کرده و آمادگی خود را بوسیله نامه و تلگرافات و حتی درج در جراید بسمع اولیای امور میرسانیدند

ولی برای آنها بنگه بیاطن قضایا آشنا و کم و بیش اهمیت موضوع پی برده بودند وضع صورت دیگری داشته و نمی توانستند به عاقبت مضار بد بین نباشند

در همانوقتی که وضع صورت بفرنجی را بخود گرفته و نزدیک بود امیدها تبدیل بیأس شوند پادشاه محبوب و خردمند ما که همواره سرمشق از خود گذشته گشتگی بودند با اطلاع از احساسات میهن پرستانه مردم دلیر آذربایجان و شجاعت سربازان فداکار ارتش در میان بهت و حیرت عمومی بنام بزرگ ارتشتاران فرمانده فرمان تهور آمیز و تاریخی خود را برای نجات آذربایجان عزیز صادر فرمود و برخلاف انتظار کونه نظران در مدت بسیار کوتاه باور نکردنی ساحت مقدس وطن از لوث وجود اجنبی- پرستان و جیره خواران بیکانه پاک و مصفا شده و برای یکبار دیگر در تاریخ پر افتخار ایران ثابت گردید که کشور ما اگر هم که لقمه چربی باشد ولی تردیدی نیست که کلو گبر است و فرزندان هخامنش و اردشیر بابکان و آنها که روزی پدران شان بدنی حکومت کرده و آقای می نمودند هر قدر بیچاره بشوند معذک حاضر نخواهند شد که طوق اسارت و بندگی بکردن بیندازند (احسن - صحیح است)

در اینجا مناسب میدانم از کمک های بی شائبه جامعه ملل و حسن نیت کشورهای غربی و مخصوصاً انگلستان و امریکا که معنا در حل قضیه آذربایجان کمک کرده و با میهن پرستان ایرانی هم دردی کرده بودند تشکر نمایم (صحیح است)

مما چه حل گشت آسان شود

بنده بجز بران برد قافلانگه و حوادث آذربایجان و دلآوری های ارتش که با جانبازی های مردم غیور آسامان توأمأ صورت گرفته بود عرضی نکرده و شرح و بسط آنرا بنمایند کان معترم آذربایجان که در بیشتر مراحل حاضر و ناظر بوده و اکتفا و تنها بنتاج این واقعه مهم تاریخی اکتفا میکنم

قبل از تشریح اصل موضوع و نشان دادن اهمیتی که این واقعه از لحاظ دنیا و استحكام جبهه دمو کراسی داشته بادآوری بیک نکته بسیار مهم که از نظر خائنین بوطن و یافریب خوردگان و اجدهایب اهمیت است لازم بنظر میآید

آنهائی که بتاریخ انقلابات آشنا بوده و می دانند که بیشتر این انقلابات در بدو امر بدست یک عده از مدعیان کسب شهرت و مقام صورت گرفته و بعداً همه آنها فدای جهالت و جاه طلبی خود شده اند از سرنوشت نکبت بار سران فرقه دموکرات و آن هائیکه تحت تأثیر تبلیغات سوء قرار گرفته بودند تعجب نخواهند کرد

در وقایع آذربایجان نیز وقتی گدیده معدودی از افسران خیا ننگار ارتش و چند نفر از روشن فکران قلابی که با امید گنج رنج این سفر پر مخاطره را بخود هموار نموده و به تبریز رفتند و عملاً آنها را برخلاف انتظارشان زیر دست اشخاص بیسوادی مثل بی رویی ربا کار و بنده باز و غلامی سورچی قرار دادند و دیگر دستشان از همه جا بریده شده بود نازه فهمیدند که مرتکب چه اشتباه بزرگی شده و این عاقبتی که سرنوشت منطقی هر وطن فروشی است سرمشق خوبی برای بیکانه- پرستان دیگر و آنها بنگه خیالات خام در سر میوررانند گردید

نتیجه دیگری که گرفته شد این بود که هنگام بجزان و نزدیک شدن خطر همه آنهائی که بخيال کسب جاه و مقام مهوم بوطن خود خیانت نموده بودند بدون آنکه کمکی با آنها بشود بسرنوشت شوم خود ردا گردیده و برایشان مسلم شد که برای بیکانگان جز یک وسیله ننگین چیز دیگری نبوده و در نظر او بابان خود باندازه پیشیزی ارزش ندارند

اما در مورد اصل قضیه باید بگوئیم که میهن ما تحت سربرسی شاهنشاه مجرب مقام بسیار شایسته و ممتازی را که در دنیا از نظر مبارزه با ایده اولوزی مغرب کم نظیر است احراز کرده بود (صحیح است - احسن)

باین نظر اجمالی بتاریخ وقایع چند سال اخیر و نقشه دنیا صدق این گفتار ثابت می گردد

بهذاز جنگ دوم جهانی در اکثر کشورهای جهان و حتی آنهائی که از صحنه اصلی فرسنگها دور هستند احزاب قوی کمونیستی بوجود آمده اند

منابع نفتی معتزله کیند خلیج فارس و خاورمیانه و بازارهای تجارتی دنیا است و هر کس بخواهد به این حقیقت بازر توجه بکند مثل انبست که خواسته است منکر محسوسات شده و در چنین صورتی در مقابل نسلهای آید دنیا مسئولیت بزرگی را به گردن گرفته است

یس از غانگه مصر و سته شدن کمال بوطن و خانواده خود علاقه مند بوده و در تمدن جهان سهم بسزائی داشتند با وجود کمک های بی شماری که به چنان کوی چک شدا زهر گزیده مقاومتی عاجز و تسلیم سرنوشت وحشتزای خود گردید

- در کره ملیاردها دلار امریکا و هزاران سرباز ارتش های جامعه ملل نابود شده بغناک و خون کشیده شدند

- وضع کشور و بین ز آنها هیچ وجه بهتر نشد

- تمام ملیاردها دلار کس خروج استحكام جبهه دمو کراسی شده و تمام خونهای بیکانه که ریخته شد پیشیزی نیرزید

- با توجه بر مراتب بالا و صد ها نمونه های دیگر میتوان باجرات گفت که میهن ما بیکانه کسوری است که توانست با آنکه بقدرت و با استفاده از فداکاری های فرزندان خود در منتهای فقر و پریشانی ایستادگی نموده و با حفظ موجودیت و استقلال خود دنیا را از یک قاجحه بزرگ رهائی بخشد

- شاید ذکر کلمه قاجحه بزعم بعضی بی خبران نقیل بیاید

- بسیار خوب ناگزیرم با ذکر دلایل متقن و شواهد انکار ناپذیر این موضوع را ثابت نمایم

- چنانچه توجه مختصری بجزغرفای دنیا و موقعیت کشور خود و وضع سیاسی و اقتصادی جهان بفرمائید عرایض بنده مورد تصدیق قرار خواهند گرفت و مسلم خواهد گردید که موقعیت جغرافیائی کشور ما از نظر مجاورت با اقیانوس هند و وضع اقتصادی ما از لحاظ منابع سرشار زیر زمینی که مورد احتیاج حتمی کشورهای صنعتی جهان است برای دنیا ناچه اندازه مهم بوده و تأثیری که در سرنوشت دنیای آزاد دارد تا چه حد است

واگر روزی کشورهای اروپا که به منزله محور مقاومت بوده و برای گردانی سرخ- های صنعتی خود بنفت ایران و خاورمیانه احتیاج داشته و تنها وسیله ارتزاق آنها که میهن ما تحت سربرسی شاهنشاه مجرب مقام بسیار شایسته و ممتازی را که در دنیا از نظر مبارزه با ایده اولوزی مغرب کم نظیر است احراز کرده بود (صحیح است - احسن)

تردیدی نیست که چنین پیش آمده ناگواری موجب آن خواهد شد که سرخ های صنعتی اروپا از کار افتاده و میلیون ها کارگران بی کار و از خود راضی این مناطق تحت تأثیر تبلیغات احزاب کمونیست محلی چه بد بختی هائی را بوجود خواهند آورد ولی ایران با دارا بودن بزرگترین

اطلاعات سیاسی گزاری و تشکر از تمام مدیران معترم جراید که در این چند روزه نسبت به این جشن فرخنده ۲۱ آذر جشنی که از طرف اهالی آذربایجان معذرت میخوانم ملت ایران فردا عصر در پارک شهر برپا خواهد شد اظهار لطف و کارداند تشکر و سپاسگزاری می کنم

همکاران معظم بواسطه تصادف روز پنجشنبه با عید بزرگ و ملی ۲۱ آذر تو تعطیل عمومی امروز با حال کسالت برای عرض تبریک بایشگاه نمایندگان معظم شرفیاب شدم

یازده سال است ۲۱ آذر را هم - میهنان عید گرفته و خادمانی می کنند

نام مقدس این روز تاریخی با خون جگر آفاقی و استعداد کاشوروزی و معادن دست نخورده خود آتند در نشانی را در پیش دارد و بقین دارم که در سایه ه راهنمایی های خردمندانه پادشاه مدیر خود بتمام مشکلات فائق آمده عاقبت بخیر خواهیم شد (صحیح است)

امید ارم هم منظور بنگه به رهبری پادشاه محبوب خود در سانس خارج توفیق حاصل نموده و روابط خود را با کشورهای دنیا مخصوصاً کشورهای هم جوار بهبودی بخشیده و از نظر رفیع اختلاف مرزی با همساره شمالی موقفق بزرگ بدست آورده ایم در قسمت اصلاحات داخلی نیز که وجهت شاهنشاه قرار گرفته بتناجیر درخشانی برسیم و ریشه عوام فریب و نهال بدبختی را از بزم وین سه زانیده در ساره کار و گوشه افتخارات باستانی خود را تجدید نمایم (احسن)

خسلی از مطالب دور شدن منظره زمین از مزاحمت آقایان محترم تجلیل این روز بزرگ و تاریخی بود و میل دارم که مناسبت این روز ممنون و مبارک به شگشا شاهنشاه عظیم الشان و ارتش دلیر این معنای یک نفر سرباز قدیم تبریک عرض نموده و بنام نماینده مردم تهنیت عرض نمایم (احسن)

و همچنین بهمیهنان عزیز آذربایجانی شاد باش گفته و با عارف شاعر میهن پرست هم صد شاهده عرض کنم :

چه آذرها بجار از عشق آذربایجان دارم من این آتش خردیدار ش بجانم تا که جان دارم پرستشگاه ام آتش بدگو هستم بسوزد کاش ز آتش گدازد ز تشمت در این دودمان دارم به بی پروائی من کس در این آتش نمی سوزد مرا پروانه چون پروانه کمی پروای جان دارم مرا موقعیت از زرتشت و گشتاسب بود محکم به پیشانی باز این فخر از بیشیشان دارم (احسن - احسن)

فایب رئیس - آقای نورالدین امامی نورالدین امامی - با عرض تشکر از جناب آقای محمد علی مسعودی که نوبه خودشان را به مجلس خودشان دادند و با

من آذربایجان لایقوتم من نمیبیم اگر ایران ما مسماه است من در جسم او حاتم من آذربایجانم عهد زرتشت بهی کبشم صمیمی یاسدار دودمان آل ساسان نباشد در نهادش غیر مهر پر چن ایرانی هر آن طفلگی که تو شد شهر یک از ننگ پستانم اگر کرد گوی جانان از نشانی دارم و منای من آن نامو نشان بر شهر بار خود گرد و گنم (احسن)

شاهنشاه ملت کهنستان ایران نام مقدس را همیشه در سوره جشن ۲۱ آذر این عید ملی زیارت میکنند چون همگ میدانند و میدانم این افتخار و سربلمندی بدست نه انابت نصیب ملت شده است (صحیح است)

که ای شاه نیک اختر و نیک دل بدل پرده ای هم تو از شیر دل همه بیک یک بیش تو بنده ایم ز مهر تو شاهسار افکنده ایم یابنده و برقرار ایران خدای بزرگ حافظ و نگاهداریان (احسن)

با اجازه مقام ریاست تقاضا می کنم با احترام شهدای این واقعه تاریخی آقایان یک دقیقه سکوت فرمایند

فایب رئیس - یک دقیقه سکوت اعلام میشود (در این موقع عموم حضار با احترام قام نمودند یک دقیقه سکوت کامل برقرار گردید)

نورالدین امامی - از عموم آقایان تشکر میکنم و بقیه وقت را به آقای مسعودی

محمد علی مسعودی - مسلمانان محترم بخواظر دارند که هنگامی که متفقین پیروز شده و بقول معروف پر مر لیب مرادسوز شدند ارتش های اسکلیس و امریکا طبق وعده که در قرارداد سه جانبه تهران داده بودند در آس موعد مقر ر خاک کشور ما را ترک نمودند

تنها ارتش سربخ بود که برای حد اکثر استفاده از موقعیت تخلیه مناطق شمالی کشور را بتأخیر انداخته و تا جائی که توانستند بقویت وطن فروشان و تربیت- شدگان مکتب خدا باشناسی پرداخته و تا وقتیکه از هر جهت بقدرت آنها اطمنان پیدا نکردند سربازان خود را عقب نکشیدند

راستی وضع عجیبی بود و با جدا شدن آذربایجان از پسر مادر وطن دنیا در مقابل یک عمل انجام شده قرار گرفته و با ایجاد حکومت پوشالی فرقه دمکرات که با فشار سربزیه بیکانه بوجود آمد قسمتی از وصایای قطر کبیر به مرحله اجرا درآمد

درست بیاد دارم که در عده ای از جریان آذربایجان که مسئله آذربایجان را خاتمه یافته فرض میکردند جسته و گریخته از حرم امنیت شوروی صحبت بمیان آورده و حتی اگر فراموش نکرده باشم بوبن وزیر خارجه انگلستان نیز در یکی از مصاحبه های مطبوعاتی خود باین موضوع اشاره نموده و تلویحاً تصدیق کرده بود

مختلف چنین خصائل بر خسته ای را از خود عرضه داشته اند و ملی در هیچ موردی شدت نشان و شد مقاومت مقابل مانند دوره سیادت نوردی را خارج در مصر احو نبوده است (صحیح است)

بدین جهت بود که در آغاز ما اضم گفتم که تجلیل از ۲۱ آذر بیش از همه ماحق برادران عزیز آذربایجان است ولی البته در عین حال نباید فراموش کرد که مقاومت و فعالیت های برادران آذربایجانی در اثر چه موجبات دیگری به نتیجه رسید

معتمد همه ما در جهت اساسی وجود داشته کدر حقیقت و معنی یکی به دانند آذربیری خردمندانه شاهنشاه آمخته با وطنپرستی ملتخواهی غیر قابل وصف معظمه بوده (صحیح است) که باتمام قوا و وسائ از طرف ملت ایران پشتیبان شده است (صحیح است) در آن اناام خود من افتخار کسب این موهبت را داشتم کدر اهتمامات و مجاهدات برای نجات آذربایجان عزیز شرکت داشته باشم

درم کز و در این ایالات و عشایر میهن پرست و غیور آذربایجان همکارو شاهد فعالیتها بودم و بعضی را که میکشمتکی بر واقعیات است

هیچک از مادر باره ایمان ملی ملت قهرمان خود تردید نداریم همه میدانیم که ایرانی با خود همه نشد و فرازهای یک تاریخ طولانی و بزرگ با وجود مصائب و سختیهای روز همیشه و همواره بفکر میهن خود بوده همت و خواهد بود این ایمان ملی بوده که مشمل استقلال موجودیت ما را حفظ کرده و حقوق مدنیت آن جهانپرا تابناک ساخته است ولی همه این احساسات در مورد نجات آذربایجان بدون نتیجه مماندا گردیدن معوق حساس و خطرناکی شخصیت بزرگ و تاریخی اعلیحضرت محمد رضاشاه پهلوی در رأس رهبری کشور قرار نمیداشت (صحیح است - صحیح است)

بدون تعارف و بدون مبالغه باید اعتراف کنیم که مقاومت و خون سردی و تحمل و تدبیر و بیوغ معظمه که توفیق یافت احساسات و مجاهدات همه ما را اصلاح برانر مدل سازد (صحیح است) که لازمه نجات آذربایجان در سخت ترین شرائط بود و بازم باید گفت که آنچه در سیاست جهانی نصیب ماگشت و سازمان ملل متحد و دیگران برای ما کار کردند آنچه از نتیجه و اثر نوع استقامت شاهنشاه معظمه بود (صحیح است)

ضمن ذکر این حقایق نباید یک نکته اساسی دیگر را از نظر دور داشت و آن اینکه اثر ۲۱ آذر تنها نجات آذربایجان نبود است بلکه در این روز اعلیحضرت همایون شاهنشاهی ناسیونالیسم نوین ایران را پی ریزی فرمودند هدین ناسیونالیسم که الهام بخش خاورمیانه گردید و نهضت و تحول تصدیق کرده بود

این منطقه را وجود آورده است (صحیح است) فدراسفرای که شاهنشاه در برابر نفوذ و استعمار خارجی بر فراشت بدبکران حرّات بخشید که قریب چند صد ساله را یکسان و عصر جدید آزادی و پیشرفت پا بگذارند (صحیح است)

باتوجه باین مراتب اجازه می‌خواهم ضمن طلب آموزش برای قربانان در راه نجات آذربایجان عزیز از این تریبون بار دیگر در دو سیاحت گزافانه ملت ایران را به حضور شاهنشاه تقدیم کنم که انشاءالله در آنچه هنوز برای اعتلای وطن و سعادت ملت مادر نظر دارند توفیق کامل و سریع حاصل خواهند فرمود

دربایان لازم میدانم زحمات کسانی را که با شاهنشاه محبوب در حین اشغال آذربایجان بوسیله قوای متجاوز اهتال سر لشکر ارفم و آقایان محمود و مصطفی ذوالفقاری که در مبارزات جنگی شرکت داشتند و آقایان محمد و ناصر ذوالفقاری که در تهران کارها را اداره می‌کردند یاد آور شوم و همچنین تذکر هم که فقید سعید شهید سهند رزم آراء در موقع حمله با آذربایجان تحت فرمان شاهنشاه محبوب نهات فداکاری و از خود گذشتگی را نموده که خداوند او را رحمت کند همچنین فداکاری جناب آقای عباسی نمایندگان فعلی مجلس در کردستان را یاد آوری نمایم

نمایندگان - صحیح است - احسن

فایز رئیس - آقای سلیمان را بختیار ثبت نام کرده‌اند و نوبت خودشانرا به آقای پرنسور جمشید اعلم واگذار کرده‌اند آقای پرنسور اعلم بفرماید

پرنسور جمشید اعلم - یک مطالبی هست که تاریخ آنها را باقلم طلائی در صفحات خودش ثبت کرده‌این مطالب هر چه گفته شود و هر چه راجع باین مطالب بمطال با اندازه ایست که از زبان بنده و امثال بنده قاصر است که بتواند حق مطلب را ادا کند (دکتر امین - ماشاءالله بیانتان خیلی هالی است) متشکرم ۱۱ سال پیش امرهای تیره و تار یک بر فراز این مملکت خطرانی ایجاد کردند که آن خطر باهستی و نبودن مابازی می کرد و اگر سیاست مدبرانه‌ای و روش بسیار متین و عاقلانه‌ای نبود حتماً نتایج این خوبی بیار نمی‌آورد ولی در نهاد هرا ایرانی و در قلب هرا ایرانی و آذربایجانی یک نور امید و درشت این ابرهای تیره و تار پیدا بود و آن نور امید و شعله تابناک شخص شخصیت اعلی حضرت همایون شاهنشاهی است (صحیح است) همه می دانستند و امیدوار بودند که در پشت این برده صبر و تحمل و تدبیر سیاست بسیار عاقلانه‌ای کار خودش را در موقع انجام خواهد داد (صحیح است) چنانکه

انجام دادند آذربایجان بمنزله سرایران است هرا ایرانی میدانند که اگر آذربایجان نباشد بهتر است که یک فرد ایرانی نباشد آذربایجان اگر از این مملکت جدا شود مثل اینکه هر فرد ایرانی سرش از بدن جدا میشد در این روزها بجز حضرت همایونی یک باز دیگر بانک اعوانه یا نولی هم ایرانی امری صادر فرمودند بقشون شجاع ایرانی و این امر نتیجه اش این شد که یک شش خاثن مزدور فهمیدند که بایستی هر چه زودتر از این مملکت بروند (دکتر امین - فراری کنند) ذوق طربروند بلکه از این دنیا بروند و اگر امر و بزرگ روز نامه‌ای می‌نوشتند که کی تبریک فرستاده است بروغ معض است و بی اساس است و آنای که خیال می‌کردند که دموکرات آذربایجان را بیک روزی ممکن است تشکیل دهند بدانند که چنین چیزی وجود خارجی ندارد (صحیح است) بنده از پشت این تریبون باشکر از سیاست مدبرانه شاهنشاه ناچارم از ارتش شجاع ایران و مردمان غیور آذربایجان که بعضی اینکه فرمان حمله و گذشتن ارتش را از قزوین حس کردند خودشان بادت خالی جزای این خائنین را دادند تشکر کنم و درود فراوان باد بر گذشتگان و آنها که در این راه جانبازی کرده‌اند و از جان خودشان گذشتند و امروز در جزء شهدای این مملکت هستند مفرستم بنده از آقایان ذوالفقاریها و از تمام آنها که در این راه خدمت و وطن و شاه کرده‌اند تشکر میکنم (احسن)

فایز رئیس - آقای دهیوم

دهیوم - بنام نماینده آذربایجان روز ۲۱ رخی ۲۱ در ایشکاه مبارک بندگان اعلی حضرت همایونی و بفرمودند ملت رشید ایران تبریک عرض میکنم و بوفتقت ملت ایران در حفظ استقلال و عظمت ایران از درگاه خداوند خواستارم از روزی که نیروی عده‌ای مهاجر متجاوز و ماجراجو بنام حزب توده در آذربایجان بفعالیت پرداختند چه جنایاتی نمودند چه ظلم ها و خیانت‌هایی از خود نشان دادند ولی در اندک مدتی مفتضح شدند رهبران و کارگردانان حزب توده متوجه شدند که دیگر بهین دست رسیدند پرده از روی اسرار خائنه آنها برداشته شده دیگر حنای آنها رنگی نخواهد داشت مجبور شدند حزب توده را در لباس حزب دموکرات در آذربایجان نشان بدهند حزب دموکرات قلابی آذربایجان بدست یک فرزند ناخلف آذربایجانی بنام پیشه‌وری (دکتر امین - آذربایجانی بود ایرانی نبود) (دکتر بیتا - قفقازی بود از قفقاز آمده بود) فرزند آذربایجان تربیت شده مکتب قفقاز اداره حزب دموکرات آذربایجان را بعهده گرفت حزب قلابی یک عده مهاجر و خائن و ماجراجو و تجزیه طلب را بدو خود جمع کرده با

متینکها و سخنرانهای مهیج و عوام فریبانه خودشان آنها را گمراه و بدنام و بدبخت کردند مجالس متینک و سخنرانها تشکیل دادند بر علیه حکومت وقت مردم را تحریک کردند ازضف مأمورین دولت وقت و از پشتیبانی قوای بیگانه سوء استفاده کرده در آذربایجان بنای هرج و مرج و ناامنی گذاشته کار بجائی رسید که روز ۲۱ آذر ۲۴ که روز نشکین بود روزی آذربایجان است در سرتاسر آذربایجان قیام نمودند فدائیان مسلح با کمک و مساعدت نیروی بیگانه لشکر آذربایجان و سر بازان آذربایجان را خلع سلاح کردند مین هریستان و مردان رشید آذربایجانی را زنده‌انی کردند در معکبه صحرائی آنها را محکوم باعدام نمودند شین کی بود مانند بدن دهنند بدانند که چنین چیزی وجود خارجی ندارد (صحیح است) بنده از پشت این تریبون باشکر از سیاست مدبرانه شاهنشاه ناچارم از ارتش شجاع ایران و مردمان غیور آذربایجان که بعضی اینکه فرمان حمله و گذشتن ارتش را از قزوین حس کردند خودشان بادت خالی جزای این خائنین را دادند تشکر کنم و درود فراوان باد بر گذشتگان و آنها که در این راه جانبازی کرده‌اند و از جان خودشان گذشتند و امروز در جزء شهدای این مملکت هستند مفرستم بنده از آقایان ذوالفقاریها و از تمام آنها که در این راه خدمت و وطن و شاه کرده‌اند تشکر میکنم (احسن)

فایز رئیس - آقای دهیوم

دهیوم - بنام نماینده آذربایجان روز ۲۱ رخی ۲۱ در ایشکاه مبارک بندگان اعلی حضرت همایونی و بفرمودند ملت رشید ایران تبریک عرض میکنم و بوفتقت ملت ایران در حفظ استقلال و عظمت ایران از درگاه خداوند خواستارم از روزی که نیروی عده‌ای مهاجر متجاوز و ماجراجو بنام حزب توده در آذربایجان بفعالیت پرداختند چه جنایاتی نمودند چه ظلم ها و خیانت‌هایی از خود نشان دادند ولی در اندک مدتی مفتضح شدند رهبران و کارگردانان حزب توده متوجه شدند که دیگر بهین دست رسیدند پرده از روی اسرار خائنه آنها برداشته شده دیگر حنای آنها رنگی نخواهد داشت مجبور شدند حزب توده را در لباس حزب دموکرات در آذربایجان نشان بدهند حزب دموکرات قلابی آذربایجان بدست یک فرزند ناخلف آذربایجانی بنام پیشه‌وری (دکتر امین - آذربایجانی بود ایرانی نبود) (دکتر بیتا - قفقازی بود از قفقاز آمده بود) فرزند آذربایجان تربیت شده مکتب قفقاز اداره حزب دموکرات آذربایجان را بعهده گرفت حزب قلابی یک عده مهاجر و خائن و ماجراجو و تجزیه طلب را بدو خود جمع کرده با

سایر افسران رشید که اسامی آنها را در خاطر ندارم (خرازی - تیسار سر لشکر زنگنه) تیسار سر لشکر زنگنه به آذربایجان حرکت دادند بر علیه حکومت وقت مردم را تحریک کردند ازضف مأمورین دولت وقت و از پشتیبانی قوای بیگانه سوء استفاده کرده در آذربایجان بنای هرج و مرج و ناامنی گذاشته کار بجائی رسید که روز ۲۱ آذر ۲۴ که روز نشکین بود روزی آذربایجان است در سرتاسر آذربایجان قیام نمودند فدائیان مسلح با کمک و مساعدت نیروی بیگانه لشکر آذربایجان و سر بازان آذربایجان را خلع سلاح کردند مین هریستان و مردان رشید آذربایجانی را زنده‌انی کردند در معکبه صحرائی آنها را محکوم باعدام نمودند شین کی بود مانند بدن دهنند بدانند که چنین چیزی وجود خارجی ندارد (صحیح است) بنده از پشت این تریبون باشکر از سیاست مدبرانه شاهنشاه ناچارم از ارتش شجاع ایران و مردمان غیور آذربایجان که بعضی اینکه فرمان حمله و گذشتن ارتش را از قزوین حس کردند خودشان بادت خالی جزای این خائنین را دادند تشکر کنم و درود فراوان باد بر گذشتگان و آنها که در این راه جانبازی کرده‌اند و از جان خودشان گذشتند و امروز در جزء شهدای این مملکت هستند مفرستم بنده از آقایان ذوالفقاریها و از تمام آنها که در این راه خدمت و وطن و شاه کرده‌اند تشکر میکنم (احسن)

فایز رئیس - آقای دهیوم

دهیوم - بنام نماینده آذربایجان روز ۲۱ رخی ۲۱ در ایشکاه مبارک بندگان اعلی حضرت همایونی و بفرمودند ملت رشید ایران تبریک عرض میکنم و بوفتقت ملت ایران در حفظ استقلال و عظمت ایران از درگاه خداوند خواستارم از روزی که نیروی عده‌ای مهاجر متجاوز و ماجراجو بنام حزب توده در آذربایجان بفعالیت پرداختند چه جنایاتی نمودند چه ظلم ها و خیانت‌هایی از خود نشان دادند ولی در اندک مدتی مفتضح شدند رهبران و کارگردانان حزب توده متوجه شدند که دیگر بهین دست رسیدند پرده از روی اسرار خائنه آنها برداشته شده دیگر حنای آنها رنگی نخواهد داشت مجبور شدند حزب توده را در لباس حزب دموکرات در آذربایجان نشان بدهند حزب دموکرات قلابی آذربایجان بدست یک فرزند ناخلف آذربایجانی بنام پیشه‌وری (دکتر امین - آذربایجانی بود ایرانی نبود) (دکتر بیتا - قفقازی بود از قفقاز آمده بود) فرزند آذربایجان تربیت شده مکتب قفقاز اداره حزب دموکرات آذربایجان را بعهده گرفت حزب قلابی یک عده مهاجر و خائن و ماجراجو و تجزیه طلب را بدو خود جمع کرده با

میانه میباند و آب (بکفر از نماینده کان - میانه) در میانه، در آنجا خیلی ناراحت شدم و خدا عمر نهد بیک قصه جپی اگر زنده است، خدا رحمتش کند اگر مرد است عملی بمن کمک کرد زیرا در آنجا اوضاع برای من تنگ شده بود و ناراحتی تر کی بلند بودم سه کلمه بن یاد داد که من آن سه کلمه دفع حاجت کردم خلاصه رفتم آذربایجان و تا روزی هشت ۱۳۲۱ انجام اندامه و لازم نیست عرض کنم چه کردم در تمام شئون دخالت کردم خدا رحمت کند مرحوم فحیمی را که او دیگر آن هم بودند که شاهد بودند بنده از ۳ تیار گشتم رفتم بفارس در فارس ماندن چه کارهایی کردم چون صحبت از ۲۱ آزاست چون من مخصوصاً کله آذرا که ابتدای آذربایجان است دوست دارم ۲۱ آذر مدوجهت یکی میشوم است و یکی جشن است و مثل عاشورا برای ایک خاطره‌های الهی الا باقی گذشته است در هر صورت بنده در خلال این مدت کارهایی داشتم، ورود نیروی شاهنشاهی قیام مسلحانه کردند یعنی با مشت‌های آهنین خود بهمان‌های نامحرم کوفتند اما محض فدائیان و ماجراین را در دست گرفته وجود عناصر نایک را از خاک یک آذربایجان دور افکندند آذربایجانی با همت و فداکاری خود ثابت کرد که آذربایجان جزء لاینفک ایران بوده و آذربایجانی بر بارزالت و بیگانه پرستی نمیرود بقول تیسار سر لشکر وفا کرد آذربایجان بمغیرین جراید داخله و خارجه گفتند آذربایجان در جهنمی که بدست خودش در خاک خودش ساخته بسوختن است ولی بهوشی که بدست بیگانه نباشد و حاضر نیست برود (احسن) آذربایجانی تاریخ را افتخار گذشته خودش را تمهیب کرد افراد رشید و فداکاران آذربایجان جمعیتی که امروز در سرتاسر آذربایجان در حدود ۳۴ هزار نفر عده دارد جمعیتی که تا امروز در اجرای او امر شاهانه کوچکترین تصوری نگرفته و نخواهد کرد جان بکف گرفت و مردانه قیام کرد با پشتیبانی ارتش شاهنشاهی عناصر نایک و ماجرا جو تجزیه طلب را از خاک یک آذربایجان بیرون رانند اینست که با کمال صمیم قلب این روز تاریخی پرافتخار را بر پیشگاه مبارک اعلی حضرت همایونی تبریک گفته و توفیق ملت رشید ایران را از درگاه خداوندی خواستارم زنده و پاینده باد شاهنشاه رعیت پرور ایران (احسن - احسن)

فایز رئیس - آقای دهیوم

دهیوم - بنام نماینده آذربایجان روز ۲۱ رخی ۲۱ در ایشکاه مبارک بندگان اعلی حضرت همایونی و بفرمودند ملت رشید ایران تبریک عرض میکنم و بوفتقت ملت ایران در حفظ استقلال و عظمت ایران از درگاه خداوند خواستارم از روزی که نیروی عده‌ای مهاجر متجاوز و ماجراجو بنام حزب توده در آذربایجان بفعالیت پرداختند چه جنایاتی نمودند چه ظلم ها و خیانت‌هایی از خود نشان دادند ولی در اندک مدتی مفتضح شدند رهبران و کارگردانان حزب توده متوجه شدند که دیگر بهین دست رسیدند پرده از روی اسرار خائنه آنها برداشته شده دیگر حنای آنها رنگی نخواهد داشت مجبور شدند حزب توده را در لباس حزب دموکرات در آذربایجان نشان بدهند حزب دموکرات قلابی آذربایجان بدست یک فرزند ناخلف آذربایجانی بنام پیشه‌وری (دکتر امین - آذربایجانی بود ایرانی نبود) (دکتر بیتا - قفقازی بود از قفقاز آمده بود) فرزند آذربایجان تربیت شده مکتب قفقاز اداره حزب دموکرات آذربایجان را بعهده گرفت حزب قلابی یک عده مهاجر و خائن و ماجراجو و تجزیه طلب را بدو خود جمع کرده با

تهه از شیراز کرمانشاه نبود، آقایان آذربایجانی هاتمام ایران عزادار بود، عرض کنم که بنده یک نفر فارسی هستم دشتی هستم، اما آذربایجانی هستم، آن روز که رفتم بخاک مقدس آذربایجان که عرض کردم جمعیت ماندن سیز از آنجا می‌آمد من جلو خودم شکم‌پاره دیدم بنده در کچه‌های تبریز دیدم که جلویم ترور کردند ولی نشستم زیرا که مادر آن روز وطن را می‌بخراستیم، بخشید وطن نمی‌دانم حالا میگویند مین، چه میگویند بهر حال بنده تمام این سال ۲۴ را که در آذربایجان یک عده اجنبی برش مسلط شده بودند خودشانرا دایه مهر با نتر از مادر می‌دانستند بنده در فارس بودم تا ۲۵ که در آنجا بودم اینجا هیچکدام افران نیست ادعا نیست تنها یک تاریخ کوچک و اوئی عرض میکنم یکی از اقوام و بستگان بنده که اکنون در اهواز است و عضو دارائی است محمد رزوه، شبی خواب می‌بیند در منزل بنده اجازه بفرماید آقایان این راعرض کنم خیلی شیرین است خوابی می‌بیند اعلی حضرت فقید رضا شاه کبیر می‌آید تا نزدیک بنده منزل که در آنجا شخص بزرگی بنده تازگی مرده بود می‌پرسند که شیخ محمد حسین کجاست عرض میکنند که مرده میگویی میدانم مرده اما من و او نمی‌میریم مطلبی داریم که چون این خانه مجرم من است بروی و این را به اعلی حضرت بفرزاند من بگوئی اما با بد بخودش عرض کنی می‌فرمایند که محمد رضا شاه بفرزندان من بگو برو آذربایجان را برگردان، خودت چو بیفت همه مردیست سر تو هستن عرض میکنم که این تاریخ مستورترین ۴ فرات محمد زنده نام که عضو آقای مزینی است در فرهنگ او هم میدانند ایشان صبح می‌روند دربار به رئیس تشریفات مرحوم سمیع می‌گوید حالا چه می‌گوید نمی‌دانم چون من آنجا نبودم که چه عرض رسانیده است مطالب مجرمانه‌ای بود که بین او بوده است و دستگاه اعلی حضرت همایونی در هر صورت شاه قیام فرمودند بنام یک نفر سمبل ملت ایران بنده تعارف بلند نیستم بنده شاه را صاحب حقیقی مملکت میدانم و یک فردی است که تمام معنی همه مملکت مال او است باشند و شیراز بهام که بنده شب روز را در میان آنها میگزارانم و در آنوقت تمام جبهه جنوب و غرب را از لحاظ حزبی اداره می‌کردم ما کارهایی کردیم، جمال امامی هم آمد در شیراز با ایشان جشن گرفتیم متأسفانه روزی که جشن گرفته شد یک سرهنگی که حالا سر لشکر است نمایانم چیست آمد اشاره‌ای کرد که آذربایجان در حال سقوط است مجلس جشن ما مجلس جشنی که در شیراز گرفته بودیم برای یک نفر مهمان عزیز یک دفعه میل می‌زاشت، ضجه و ناله و فغان و فریاد از میان این جمع شیرازی بلند بود و این احساسات

کشیدیم ما فارس ها بلائی که بر سرمان آمد شاید جای دیگر مملکت هم دیده اطلاع زیادی ندارم من در فارس بودم در شیراز بودم میدانم که چه بلائی بر سر ملت آمده است آقا یک عده‌ای بقول آذربایجانی هادیه بودند، میدانم مال کجا بودند آمدند بر سر ما مسلط شدند و گفتند ما برای شما آزادی آورده‌ایم نمایانم این آزادی چیست و در کدام قاموس است و عجیب‌تر اینکه یک عده‌ای می‌گفتند پدر کشتی نشود بقول آقای تنی زاده سنگ راسته و سنگ را آزاد کرده‌اند که پدر مملکت را در بیاورند ما در آنروز این آهنک را از آذربایجان میشنیدیم این نوای قلبی را از آذربایجان می‌شنیدیم امروز بازار شهر زیاد شده و شعر زیاد داشتیم اما این را عرض میکنم آذربایجان آنروز اینطور می‌گفت:

منم آن ناجر کشتی شکسته
برهنه بر سر لوحی نشسته
رباید هر زمان از جای مومج
بر درگاه بر حضیض و گدازم
که اگر زور قی آمد یابد ار
شدم خوشدل کرو آسان شود کار
چون زد یک نم آمد بی درنگی
بسی قصد هلاک منهنگی
آقا اینجا مارا مغواستند بلمند
آمده بودند مارا بخورند اشک تساحی داشتند و با یک وضع عجیب و غریبی برای ما دایه‌داری میکردند این وضع بود این پیش آمد بود آقا مملکت را داشتند تجزیه میکردند نمی‌دانم چه بگویم در هر صورت بنده در آنروز شاهد افکار و احساسات مردم ایران غرب و جنوب و بالاخص فارس بودم، زیرا که ما هم در همان حین هر چه احساس را بگذاریم نهضت انقلاب، حقیقت خواهی این تیسار صغاری بوده است آمده است تیسار زاهدی بوده است آمده است ربات ما هم که حالا نیستم چه فعالیت ها که ما در فارس کردیم زیرا که ما خودمانرا آذربایجانی و ایرانی میدانیم و هر وقت باشد چه عضوی بندد آورد روزگار در عضو هارا نماید قرار چه فرق میکند که من بگویم در مازندران پیش آمدی کرده است یا در بندر عباس یا در بحرین بهمان دلیلی که شما آذربایجانها می‌شوید راجع بحرین من صحبت میکنم بنده با نهایت خوشوقتی امروز راجع بر مملکت صحبت میکنم و همین طوری که فاجعه عاشورا برای ایک خوبی و یک ناراحتی گذشته است همینطوری است ۲۱ آذر ۲۱ آذر هم برای ما عزای است و هم جشن است خیلی متشکرم از کسی که بمن وفات مرحمت کرده است و امیدوارم راجع پیش آمد بحرین هم که بنده صاحب دردم وخانه من است بمدها صحبت میکنم (احسن)

فایز رئیس - اصولاً نطقهای قبل از

دستور امروز بمناسبت روز ۲۱ آذر استثنائی بوده چند نفر دیگر از آقایان درخواست سخنرانی کرده‌اند چون همانطوری که قبلاً عرض شده مجلس شورای ملی باید مظهر احساسات و وطن پرستانه ملت ایران باشد لذا آقایان موافقت بفرمایند که ۳ نفر دیگر هم که نام نویسی کرده‌اند سخنرانی کنند (صحیح است) آقای بزرگ ابراهیمی بفرماید:

بزرگ ابراهیمی - بنده باید از آقایان تشکر کنم که اجازه فرمودند بنده چند کلمه عرض کنم و از مقام ریاست هم متشکرم که این عنایت را فرمودند در کائنات و طبیعت اسراری است که تا انسان دقت نکند متوجه نمیشود بسا هست که این راز خبی آشکار باشد ولی وقت نشده باشد تصادف اسم ما آذربایجان یک موضوع عجیبی است من بتاریخ کهن آذربایجانها نیستم ولی چند اتفاق در آذربایجان افتاده است که همه اش در آذر ماه بوده در زمان سلطنت صفویه قشون آل عثمان وارد خاک تبریز شده و تبریز اصولاً کوچ کرده و وقتی ارتش بیگانه وارد این شهر شده است جز خرابی هیچ چیز نمانده است و این واقع در آذر ماه بوده است بعد از یکسال یاد سال یاد شاه صفوی شاه عباس صفوی حرکت کرده این ارتش را خارج کرده باز آذرمه شده قوای تزار و وارد خاک تبریز شده و روز عاشورا نقلاً اسلام را اعدام کرده شهدای آنروز را بهار کشیده شاهزاده امان الله میرزا مرحوم انتحار کرده این در ۱۴ آذر است انقلاب اکبر شده است قوای تزار آذربایجانرا تخلیه کرده روز اولی که فرمانده آن کمیته آمده است با آزادیخواهان آذربایجان مذاکره کرده اسلحه تسلیم کرده و رفته است باز آذر ماه بوده این ها یک ته اذفاتی است نمایانم ارار طبیعت است نمایانم اینها که عرض کردم یک مقدمه‌ای بود صحبت زیاد شد بنده خیال میکنم در موقعی که حزب دمکرات قلابی به آذربایجان تحمیل شد یک فرد آذربایجانی نه گول خورد بود و نه با آنها همکای کرده بود تحمیلی بود بوسیله قدرت بیشتری که یک عده آبادی از خارج آورده بود بلباس ایرانی ملبس کرده بود و میگفت دمکرات آذربایجانی، آذربایجانی نود عده قند گوش میدادند و عده پارچه گوش میداد نهمدرسه و نه آزادی اوردی گفته‌هر چه میخواهم از ایران میخواهم از دست خارجی هیچ چیز قبول نمیکنم (احسن) دیدید در تمام این مدت حتی دهاتی وزارت آذربایجانی که به او آمدند گفتند میخواهم برای تو تقسیم ملک بکنیم قبول نکرد چرا، برای اینکه بدست خارجی میشد دیدید که همان آذربایجانی

درموقعی که اراده پادشاه ما اجازه فرمود که قوا بطرف آذربایجان برود اولین ساعت را دست حالی از دست دشمن مسلح اسلحه را گرفت و خودش بجای اوتیر اندازی کرد ، اینها نمونه شجاعت ملت ایران است (صحیح است) که در مقابل دشمن مسلح بی- اسلحه می آمد و تفنگ را از دست او میگیرد و متکوش میکند و از بین میبرد حتی کسی که خودش را در آذربایجان فریب خورده می داند این فرد فریودن ابراهیمی از کسانی بود که فریب این دستگیرا با بیاچان ، در ایران آزادی نوانید میکند ، وقتی درمعا که صحرایی رضایی عداای از متجاسرین رازی آوردند برای معا که این فردین بیان را خودش میکند ، هم بهمان من در اثر اشتباه شجاعت کرده و بر شما است که من را اهدام کنید ، اگر من بممانه اشخاص دیگر هم ممکنست فریب بخورند و شجاعت کنند ، این نمانه نخورد یک ایرانی است که اگر خیانت هم کرد خودش داوطلب تنبیه می شود و دیگر از زانمانه ها دیدم نهضت ملت آذربایجان را که در تحت سرپرستی و هدایت شخص اعلی حضرت هابون شاهنشاه بود ، بیک حزب کوچکی منتسب کردند که فلان حزب باعث این نهضت آذربایجان شد و آذربایجان را نجات داد ، اینها ضابطا گفت اگر در آذربایجان نهضت وجود آمد این نهضت همیشه بود مکتوم بود و منتظر امر بود تا اعداء خودش بود که تهااند عمل کند ، آذربایجان در تحمل بدطو لائم ، دارد یکسال تمام کرد خانه های زندگانی داد ، جان داد ، خوب داد ، من نمیخواهم روضه بخوانم شاهدهی گفته رفته بر روی کردیم معلوم شد سرور ، ژاندارم را در قصبه زمین گرفته آوردند چهارمخ کشیدند عیال او از ترس سقط حین کرد بجو او را در مقابل بدر چهارمخ کشیده و مادر متزلزل بهشین لو دادند خورد بعد این بدبخت افسر را تا بمر واره تنگه تنگه کردند (دکتر بیتا - بازو بر بندن) آذربایجانی این راهم دید متحمل شد تا روزی که اولیاء مملکتش بودند بدختر چه بکنند آنروز کوی بود ، ساعتی بود که با مر شاهنشاهام قشون وارد خاک میانه شد آذربایجانی در هر کجا خود بخود بنیروی او امر مبارک پادشاهش با دست خالی بطرف دشمن رفت و دشمن را ازین بر روی نیاید منتسب کرد بیک حزب و گفت آن حزب همچو کرد آن روز نامه ای که نوشته است اسمش را نمی آورد امیدوارم که در زندگی همیشه قضاوت را بیطرفانه و عادلانه بکنیم اگر درست نگاه بکنیم بوضعت آنروز آنها کسی که یاشاری در مقابل این پیش آمده ما میگرد شخصیتی بود که فرمود دستهای ما را بده قطع بکنند که من حکم ترفیع افسران دمکرات را

مضاء کنیم ، بعد انصافاً هم فرامالسلطنته که من با ایشان چندمان مناسبانی نداشتم تیمار سر تیب سفاری شاهدند که من در آن ایام خیلی بهایشان برخاش میکردم . در این خدمتگزاری که برهبری شاهنشاه اعلی حضرت هابون شد ، حق این بود که اسم او را میبریم او از دنیا رفته است ولی یک روزی پس از برخاشهای من آنر حوم را خواست پس از اینکه صحبت کرد و عقیده من و بند دردل من آشنا شد فهمید که زن من از پیشه ری سیل خورد گفت مطمان باشد که من و اعلی حضرت توافق داریم و کوشش داریم که آذربایجان برگردد توافق فکری داریم من مطیع اراده شاه هستم او رهبر است و من مجری ، سومین کسی که واقعا با یاد از آنجایی کردم حوم رزم آرا است رزم آراء خیلی خدمت کرد (دکتر امین - خدا رحمتش کند) او کسی بود که توانست در آن موقع وسایل از ترش را فراهم بکند که بتوانند با آذربایجان بیرون دادی از کشتگان آذربایجان بگردیم در آذربایجان روز ۲۱ آذر ۲۴ تلفات فوق العاده داده شد ، افسران و ژاندارمهایی که در باسگاها مقاومت کرده اند آنها را سوزانده با وسائل فری از ترش اجنبی مواد مسترقه آورده اند و از دور پاشیده اند یک پاسگا ، ژاندارمی را در سراب ازین برده اند حتی امر کردند که افسر را با اره تکه تکه کردند اینها برای آنها انفاراست اینها نمونه بارز ایران و ایرانیت است اینها آ چیزهایی است که تاریخ این مملکت را از سه هزار سال ، با نطراف تا کنون کویکی تشکیل داده و اگر خدای نخواسته در بین آنها کسانی هم پیدا شود که گول بخورند و فریب ظاهر بخورند زود عدول میکنند در ایران هر کسی گول خورده است زود عدول کرده است ، چون امرهایی به بنده در این کاغذها شده (یادداشت های) را نشان دادند) خیلی مختصر صحبت میکنم من آدم بی مقدمه صحبت کرده ، این جهت بگذری طول دادم بعضی از بهترین نمونه های آذربایجانی و مخالفت او را با نوع خارجی اگر درست نگاه بکنیم در ۲۸ مرداد عرض اندام میکند وسائلی که برای توضیح حق ایران ، برای ایجاد بدبختی در مجتهد در زمان حکومت دکتر مصدق فراهم شد در آذربایجان بقدری شدید بود که نمیگویم مثل زمان دمکرات قلابی اما شدید بود (احسن) یعنی رئیس شهر بانی آنروز آذربایجان باور فرمائید هیچکس ابقا نمیگرد هر کس میگفت آقای دکتور مصدق از قانون اساسی ولایت منحرف است فوراً تبعیدش میکرد اما ۲۸ مرداد رسید آذربایجانی انقلاب کرد آذربایجان باعث سقوط حکومت شد بدون اینکه از دماغ بکنفر خون بیاید چرا آذربایجانی ادعایش این بود که اگر من میچنگم ، اگر من میبکنم اجنبی میکنم و اگر در داخل مملکت هر کس اشتباهی کرد، منحرف شد

او را قانون و مقامات قضائی میبازرمان عقیده آذربایجان بود که در ۳۱ آذر ۲۵ هزاران مهاجر را با تفنگ خودش ازین برد ول در ۲۸ مرداد نگذاشت از دماغ یک نفر خون بیاید و همیشه از پیشگاه شاهنشاه استدعا کرد که منجر من را ، معا که به هندی که آنها را تنبیه قضائی بکنند این نمونه ای بود از نظر تفکر آذربایجانی که نمونه فکر همه ایرانیهاست اینرا بخواهد است در مقابل خارج از جان و مال و خون و زندگی میگذرد و در مقابل منحرف داخل قانون ، احاکم می دادند بیش از این دیگر عرض نمیکنم چون جناب محمدعلی خان مسعودی از عده ای از فدائیان در آن موقع نامی بردند من متذکر مشوم که آقای عباس فراموش شد من عرض میکنم که ایشان از کسانی بودند که تمام هستی خودش حتی جان و مال و فرزندانش را گذاشت و در سربازارتش همکاری کرده ، چه داشت ازین وقت و من حقا با در آنجا از ایشان تجلیل کنم (احسن احسن)

نایب رئیس - آقای علامه

امروز در جریان ۲۱ آذر ممالی را به عرض همگاران معتر من رساندم ، نامه های متعددی از همکاران محترم به من رسید که اظهار احساسات بکنم اما امر ، بنا انجور شده است که دیگران هم بگویند و من نشر در - قبقت آنها هم داد سخن دادند ، تمام شد بیانات شوا انشاء نمودند و شمارگی رسا انشادر نمودند و من خود را معنی میدانم که امروز از احساسات که در اینجاضره در جنبان آقای هدایه دشتر که در اینجاضره در دارند و تشریف ما بگرمانشا شدند من عده ای را در آنجا رهبری میکنم و حتی یکروز اگر نظرشان باشد دستور دادم که یک آرم جهاد را فردی که نسبت به لطف داشتند نصب کنند و خودشان را معرفی کنند آنروز اجتماع کم نظیری بود که میتوان گفت که این از احساسات غربیها از ایران احساسات سایر ایرانیها کمتر نبوده است (دولت آبادی - همه اینرا از احساسات میگردند) همه اینرا از احساسات کردند و همه دارای احساسات بودند اما چیزی را که من تصور میکنم باید اظهار کنم و بسیار هم بجاست این است که آقایان البته تیریک برض مبارک شاهنشاه رسانند و من میخواهم این عنوان تیریک عرض کنم ای شاهنشاه ایران ، ای زعمیم بزرك شرق چون موقعیت و مقام اعلی حضرت هابون شاهنشاه علاوه بر آنکه پادشاه کشور که سال ایران هستند به ثبوت رسید که زعمیم بزرك شرق هم هستند و گمان نمیکنم از نظر امتحاناتی که داده شده است کسی

در این مورد تردیدی نیست داشته باشد ، در این مورد تردیدی هم نداشتم ، اینروز که از آذربایجان برداشت و عملا ثابت شد که این راه در راه پادشاه ایران زعمیم بزرك شرق میکنند فعلا میخواهم بشارت بدهم که تمام قدماتی که شاهنشاه بر میبارد تمام قدماتی مثبت است و در آنچه نزدیک تمام آقاییان بشارت بدهم که بر چه سزنگ ایران در حوز سر از انحراف بحترین با بهترین میباید (انشاءاله) (احسن)

نایب رئیس - آقای دولت آبادی

در سه سال گذشته تاریخ پر از انقلاب و پسر تحول گذشته پادشاه مانده است و مادنیاست پادشاه خواهد ماند ؟ (انشاءاله) رای این است که در این سر زمین خدا بر ستی و میهن دوستی لایزل و لاین است (احسن) ملت اینکا ایران مانده است و خواهد ماند و سربلند و با افتخار خواهد زیست اینجاست و وجود شاه در مملکت ما شایزه کتاز زندگی ماست (صحیح است) اگر این شیراز مانده آن اوراق خدای نگردد پراکنده خواهد شد من اهل تملق و چاپلوسی نیستیم ، اما میدانم رفتاری عزیز از این لحاظ میگویم که شاه را هم در این مملکت دور و نزدیک سبیل حیات واقعی و استقلال ممانندند (صحیح است) خود او میشود تفرقهها را جمع کرد ، خودتان به چشم خودتان مکرر دیده اند با وجود مسافت تعرض آموز و اضطرابی که از اینان که در این راه برای چاره جویی انتم مملکت وقتیکه بر گشت من در فرودگاه شخصا ناظر بودم و فرودا بوده تطاهر احساسات مردمی که آنجا بودند ، استقامت و کساء آمده بودند میدانم و میدهم چگونه تطایر احساسات میشود این نیروی ایمان است که در تمام مردمان این مملکت هست که بعد از خدایر ستی و دوستی میهن وجود شاه و بقای او موجب بقای مملکت است (صحیح است) و همیشه امتحان خودش را داده است (صحیح است) اما آذربایجان امروز آقاییان نمایندگان محترم راجع به آذربایجان سخن مر گفتند ، من با کمال علاقمندی و به نمایندگی مجلس و تمام ملت ایران میگویم که اگر درباره آذربایجان روزها صحبت شود که چکترین خسته کنندگی را ندارد و حق مقام با زهم ادا نشده است آذربایجان سر مملکت است ، جان مملکت است ، قلب مملکت است ، قدیمترین نقطه ای که در ایران یعنی این سر زمین امروزی آذربایجان این تاریخ است بینه حساس ترین نقطه ای که هنوز بزركترین صفات بارز آدمیت و افتخار آدمیت درش زنده است آذربایجان است ، یارسال این نعمت نصیب من شد که از آنجا گذشتم و

آذربایجان را دیدم ، با کمال سربلندی و فصاحت بیان میگویم که هنوز در ملل متحد که بعضی تفریق مانوچه کرده است من به نیکی با هم میگویم (دکتر فریودن افشار - آقای علامه هم خیلی زحمت کشیدند) نجات آذربایجان بانیر شاهنشاه و فدائیکازی این بعد از خواست خداوند شروع شد و قوام السلطنه با اینکه شخصا مرادر آن مجلس تارک انداخت ولی من از او به نیکی یاد میکنم قوام السلطنه مردی بود و قیمت مملکت بر جال آن است آن مملکتی فقیر است که مردفدا کار بردارد (صحیح است) قوام السلطنه همت کرد و ولی را بازی میکرد در سایر نقاط بعنوان نمونه نشاء کرد چنانچه مهر و صف را هم باید از شیراز تمام مملکت برد و چنانچه سعی و کار را باید از اصفهان برد (صحیح است) اما آنچه که من دیدم اینجا میگویم که یک جمله از تاریخ بود ، اینجا میگویم که برای چیست ؟ برای این است که از تجارب تلخ گذشته برای زندگی آینده سرمشق بگیریم و بکار ببریم . در سال ۲۵ بعد از اینکه مجلس بسته شد من و بعضی از رجال این مملکت که تالاق ترشان و کوچکترین عضوشان بنده بودم ما را به مجلس سیاسی افکندند ، آنروزها بسیار لازم بود که فعالیت بشود برای کارو میشد در آذر ۲۵ من در مجلس بودم ، مرض هم بودم و خسته بودم ولی بجواد شروع وارد بودم و تنها چیزی که همه خستگیها را از من رفع کرد خدای بزرك را بشهادت میطلبم استقلال آذربایجان و رواندن آن عناصر رست و رزل از آذربایجان بود . آن جمله تاریخی که خواستم برای آقاییان بگویم و جا دارد اینجا گفته شود ، در آذر ۲۴ حوادث خونین آذربایجان پیش آمد و جناب آقای حکیم الملک که فرزند آذربایجان است و یکی از مردان شریف این مملکت است آمد بمجلس و اعلام کرد که من می خواهم حوادث آذربایجان را بشورای امنیت شکایت کنم عده ای اینجا حاضرند من جمله جناب آقای امیر نصرت اسکندری جناب آقای عماد تربتی که در آن موقع بودند و میدانند که بر ما چه میگذشت و چه روز کاری داشتیم ، شاهدند که کدر تصدق در آن کار جلو گیری کرد مخالفت کرد که شما بسازمان ملل متحد شکایت نکنید در همین اطاق رئیس ، رئیس مجلس وقت که جناب آقای سید محمد صادق طباطبائی بود این عده ای که من اسم بردم با ضافه عده ای از دوستان ما که نیستند و مرده اند و من از آنها بتیکی یاد میکنم آنها را دعوت کرد و گفت این مرد یعنی دکتر مصدق ببخشید لفت مرد را من بیجا استعمال کردم ، این مرد ، با زهم استعمال کردم ، جلوی حکیم الملک را گرفته است و میگوید تو نبیا این گزارش را بمجلس نده و ما همه آنجا ایستادیم و حکیم الملک را تشجیح کردیم آمده است این تریبون و گفت که من شکایت

کردم و من از آن مرد و دیگر افرادی که با قوا کاری خدمت کرده اند و از سازمان ملل متحد که بعضی تفریق مانوچه کرده است من به نیکی با هم میگویم (دکتر فریودن افشار - آقای علامه هم خیلی زحمت کشیدند) نجات آذربایجان بانیر شاهنشاه و فدائیکازی این بعد از خواست خداوند شروع شد و قوام السلطنه با اینکه شخصا مرادر آن مجلس تارک انداخت ولی من از او به نیکی یاد میکنم قوام السلطنه مردی بود و قیمت مملکت بر جال آن است آن مملکتی فقیر است که مردفدا کار بردارد (صحیح است) قوام السلطنه همت کرد و ولی را بازی میکرد در سایر نقاط بعنوان نمونه نشاء کرد چنانچه مهر و صف را هم باید از شیراز تمام مملکت برد و چنانچه سعی و کار را باید از اصفهان برد (صحیح است) اما آنچه که من دیدم اینجا میگویم که برای چیست ؟ برای این است که از تجارب تلخ گذشته برای زندگی آینده سرمشق بگیریم و بکار ببریم . در سال ۲۵ بعد از اینکه مجلس بسته شد من و بعضی از رجال این مملکت که تالاق ترشان و کوچکترین عضوشان بنده بودم ما را به مجلس سیاسی افکندند ، آنروزها بسیار لازم بود که فعالیت بشود برای کارو میشد در آذر ۲۵ من در مجلس بودم ، مرض هم بودم و خسته بودم ولی بجواد شروع وارد بودم و تنها چیزی که همه خستگیها را از من رفع کرد خدای بزرك را بشهادت میطلبم استقلال آذربایجان و رواندن آن عناصر رست و رزل از آذربایجان بود . آن جمله تاریخی که خواستم برای آقاییان بگویم و جا دارد اینجا گفته شود ، در آذر ۲۴ حوادث خونین آذربایجان پیش آمد و جناب آقای حکیم الملک که فرزند آذربایجان است و یکی از مردان شریف این مملکت است آمد بمجلس و اعلام کرد که من می خواهم حوادث آذربایجان را بشورای امنیت شکایت کنم عده ای اینجا حاضرند من جمله جناب آقای امیر نصرت اسکندری جناب آقای عماد تربتی که در آن موقع بودند و میدانند که بر ما چه میگذشت و چه روز کاری داشتیم ، شاهدند که کدر تصدق در آن کار جلو گیری کرد مخالفت کرد که شما بسازمان ملل متحد شکایت نکنید در همین اطاق رئیس ، رئیس مجلس وقت که جناب آقای سید محمد صادق طباطبائی بود این عده ای که من اسم بردم با ضافه عده ای از دوستان ما که نیستند و مرده اند و من از آنها بتیکی یاد میکنم آنها را دعوت کرد و گفت این مرد یعنی دکتر مصدق ببخشید لفت مرد را من بیجا استعمال کردم ، این مرد ، با زهم استعمال کردم ، جلوی حکیم الملک را گرفته است و میگوید تو نبیا این گزارش را بمجلس نده و ما همه آنجا ایستادیم و حکیم الملک را تشجیح کردیم آمده است این تریبون و گفت که من شکایت

را به سینه شان میزند ولی از کسانی بودند که مسبب این اوضاع بودند شما باید آنها را از خودتان طرد کنید برای اینکه اصل خدمتگزاری باید مراعات بشود باید تشویق بشود جز این عرض ندارم

۴- تقدیم چند فقره سوال بوسیله آقای ابتهاج

نایب رئیس - آقای ابتهاج

ابتهاج - سوالانی داشتم از وزارت کشور که تقدیم میکنم

۵ - طرح و تصویب یک فوریت و اصل گزارش کمیسیون فرهنگ راجع بموافقتنامه فرهنگی بین ایران و لبنان

نایب رئیس - مجلس وارد دستور میشود گزارشی است از کمیسیون های فرهنگ و خارجه به مجلس درباره موافقت نامه فرهنگی بین دولت ایران و لبنان که قرائت میشود (بشرح زیر قرائت شد) گزارش از کمیسیون فرهنگ مجلس شورایی کمیسیون فرهنگ در جلسه ۶ آذر ماه ۱۳۳۶ با حضور آقای وزیر فرهنگ لایحه ارسالی از مجلس سنا راجع موافقت نامه فرهنگی بین دولت ایران و لبنان مشتمل بر ماده واحده مقصود يك مقدمه و سیزده ماده را مطرح و عیناً تصویب نمود تقدیم میدارد

ماده واحده - موافقت نامه فرهنگی بین دولت شاهنشاهی ایران و دولت جمهوری لبنان را که مشتمل بر يك مقدمه و سیزده ماده میباشد و در پنجم مهرماه ۱۳۳۵ در تهران بماءضام نمایندگان مختار دولتین رسیده است تصویب نمینماید

گزارش از کمیسیون امور خارجه مجلس شورایی

کمیسیون امور خارجه در جلسه ۱۱ ار ۱۳۳۶ با حضور آقای وزیر امور خارجه لایحه ارسالی از مجلس سنا راجع به موافقت نامه فرهنگی بین دولت شاهنشاهی ایران و لبنان را مطرح و گزارش کمیسیون فرهنگ را تصویب نمود اینک خبر آنرا بمجلس شورای ملی تقدیم میدارد

نایب رئیس - از طرف عده ای از آقاییان درخواست يك فوریت برای این لایحه شد اس که قرائت میشود (بشرح زیر قرائت شد)

امضاء کنندگان زیر پیشنهاد میباشیم که موافقت نامه فرهنگی ایران و لبنان بقید يك فوریت در مجلس مطرح شود مهدوی - طباطبائی - ابتهاج - قرشی - دکتربیانی - بزرك نیا - بوردور - کدیور - دکتور رضائی - هامری - دادگر - شادلو و چند امضا دیگر

جمعی از نمایندگان - مخالفی نیست .
 نایب رئیس - آقای مهدوی سعید مهدوی - چون مخالفی نیست بنده هم مختصر عرض میکنم که این موافقت نامه فرهنگی جریان خودش را در تمام کمیسیونها طی نموده و با حسن روابطی که بین ما و دولت لبنان هست در همه کمیسیونها با حسن قبول تلقی شده است این است که خواهش میکنم آقایان موافقت کنند که باقیه يك فوریت تلقی بشود

نایب رئیس - جناب آقای اردلان مخالفید
 اردلان - موافقم
 نایب رئیس - آقای صارمی مخالفید؟
 صارمی - خیر موافقم
 نایب رئیس - چون مخالفی نیست لذا رأی میگیریم به فوریت این لایحه آقایانی که با فوریت آن موافقت قیام بفرمایند (اکثر برخاستند) تصویب شد کلیات مطرح است آقای دکتر شاهکار (عده ای از نمایندگان - تشریف ندارند)

مخالف دیگری نیست بنابراین رأی گرفته میشود بوزود در ماده واحده آقایانی که با ورود در ماده واحده موافقت قیام بفرمایند (اکثر برخاستند) تصویب شد خود ماده واحده مطرح است مخالفی نیست؟ (گفته شد خیر) چون مخالفی نیست لذا رأی گرفته میشود به ماده واحده آقایانی که موافقت قیام بفرمایند (اکثر برخاستند) تصویب شد کلیات آخر مطرح است مخالفی نیست؟ (گفته شد خیر) چون مخالفی نیست رأی گرفته میشود به مجموع ماده آقایانی که

موافقت قیام بفرمایند (اکثر برخاستند) تصویب شد برای اجراء بدورات ابلاغ میشود
 ۶ - تعیین موقع جلسه بعد - ختم جلسه
 نایب رئیس - جلسه را ختم میکنم جلسه آینده چون پنجشنبه بمناسبت بیستم و یکم آذر ماه تعطیل است بروز یکشنبه موکول میشود دستور بقیه اوایح موجود (مجلس يك ربع ساعت پیش از ظهر ختم شد)
 نایب رئیس - مجلس شورای ملی - سهاد آذر